

تحلیل بازیگر در پژوهش‌های راهبردی: مطالعه موردی کردستان عراق

علی اکبر اسدی^۱

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۸

چکیده

این مقاله در پی بررسی مساله استقلال کردستان عراق از منظر منافع و راهبرد بازیگران اثرگذار با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل بازیگر و روش مکتور است. پرسش اصلی این است که در خصوص مساله استقلال کردی در عراق چه همگرایی‌ها و هم‌پوشانی‌هایی در منافع و راهبردهای بازیگران کلیدی وجود دارد و این وضعیت به چه نحوی استقلال کردی را متاثر می‌سازد؟ در روش مکتور به تحلیل روابط بین بازیگران و ارزیابی روابط بین بازیگران و راهبردها پرداخته می‌شود. در این مقاله ابتدا بازیگران و راهبردهای اصلی در مساله استقلال کردی شامل ۱۱ بازیگر اصلی و ۱۴ راهبرد کلیدی شناسایی شد و سپس نمودارها و گراف‌های تولید شده مورد تحلیل قرار گرفت. مهمترین نتایج بدست آمده در خصوص مساله استقلال کردستان شامل اثرگذارترین و اثرپذیرترین بازیگران، رقابت‌پذیری بازیگران در مساله استقلال کردی؛ و بیشترین حساسیت و میزان همگرایی و واگرایی بازیگران درباره راهبردهاست. نتیجه مهم اینکه حساسیت بازیگران اثرگذار و اجماع نسبی در مخالفت با تشکیل دولت کردی، تجزیه عراق و نگرانی از شکل‌گیری کردستان بزرگ و تشدید بی‌ثباتی و وخامت امنیت منطقه‌ای در روند شکل‌گیری دولت کردی به مفهوم وجود موانع جدی در مقابل کردهای عراق است.

واژگان کلیدی: تحلیل بازیگر، روش مکتور، کردستان عراق، پژوهش‌های راهبردی

۱. استادیار روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران a.asadi@ihcs.ac.ir

مقدمه

مطالعات و بررسی‌های راهبردی به تدریج به یکی از حوزه‌های مهم و مورد توجه در کشورهای مختلف تبدیل شده است. این حوزه مطالعاتی به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای مطرح است که عمدتاً با مسائل امنیت ملی کشورها و موضوعاتی مانند جنگ و صلح مرتبط است. به مدد توجه جدی به این حوزه مطالعاتی در سطح جهانی و از جمله تبدیل شدن آن به یکی از حوزه‌های مهم در عرصه روابط بین‌الملل، در ایران نیز توجه به این حوزه در قالب‌های مختلف به شدت افزایش یافته است. با توجه به این روند، اینکه در این حوزه جدید و میان‌رشته‌ای مطالعاتی به کمک چه رویکردها و روش‌هایی می‌توان به مطالعه و بررسی مسائل راهبردی و تبیین آنها پرداخته و در صورت امکان دورنمایی از آینده مسائل ارائه داد، اساسی تلقی می‌شود. مساله اصلی این تحقیق موضوع استقلال کردی یا به عبارت دقیق‌تر بررسی راهبرد و اثرگذاری بازیگران کلیدی در خصوص استقلال کردی به عنوان یکی از موضوعات راهبردی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل بازیگر در مطالعات راهبردی است.

مساله کردی در عراق مساله‌ای جدید نیست و کردها حداقل از یک قرن گذشته تلاش‌های مختلفی را برای شکل‌دهی به واحد سیاسی مستقل آغاز کرده‌اند. با این حال مساله کردی عراق در دو دهه اخیر وارد مرحله جدیدی شده است و کوشش رهبران کرد در این کشور برای ایجاد دولت کردی باعث شکل‌گیری وضعیت متفاوتی شده است. به خصوص برگزاری همه‌پرسی استقلال از سوی رهبران کرد عراق در سپتامبر ۲۰۱۷ و واکنش‌های جدی معطوف به آن از سوی طیف گسترده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نشان داد که مساله کردی عراق و تلاش‌های استقلال‌طلبانه کردها در عراق مساله‌ای راهبردی و کلیدی برای تعداد قابل توجهی از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. لذا مساله استقلال کردستان در عراق ضمن اینکه با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی در پیوند است، از منافع و کنش‌های تعداد زیادی از بازیگران نیز متاثر است. در این راستا انتخاب و بکارگیری رهیافت و روشی مناسب برای فهم و تبیین مساله کردی و ترسیم دورنمایی واقعی در این خصوص مستلزم توجه همزمان به دو مشخصه مهم این مساله یعنی راهبردی بودن و کثرت و تعدد بازیگران دخیل در

آن است. بر این اساس در اینجا تلاش شده است تا به عنوان یک مطالعه موردی از بکارگیری روش تحلیل بازیگر در مطالعات و بررسی‌های راهبردی به تحقیق در خصوص مساله استقلال کردستان عراق پرداخته شود. با توجه به این مقدمه پرسش اصلی این است که در خصوص مساله استقلال کردی در عراق چه همگرایی‌ها و هم‌پوشانی‌هایی در منافع و راهبردهای بازیگران کلیدی وجود دارد و این وضعیت به چه نحوی استقلال کردی را متأثر می‌سازد؟ فرضیه مطرح شده در این خصوص آن است که با توجه به منافع مشترک اغلب بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ جهانی در حفظ یکپارچگی عراق و نگرانی از اثرات تجزیه عراق بر ثبات و امنیت منطقه‌ای، هم‌پوشانی بالایی در راهبردهای بازیگران کلیدی در خصوص مخالفت با استقلال کردی وجود داشته و این واقعیت به عنوان مانع اصلی استقلال کردی در میان مدت محسوب می‌شود.

برای بررسی این مساله در این نوشتار ابتدا به صورت خلاصه به طرح بحث مفهومی و روشی در خصوص تحلیل بازیگر پرداخته می‌شود. در ادامه ضمن مرور برخی از پژوهش‌های انجام شده در خصوص راهبرد بازیگران کلیدی در مورد استقلال کردی، به شناسایی مهمترین بازیگران اثرگذار در مساله کردی و تبیین راهبردهای اصلی بازیگران می‌پردازیم. بخش بعدی مقاله شامل تحلیل روابط بین بازیگران است و در نهایت به تحلیل روابط بین بازیگران و راهبردها می‌پردازد. در این تحقیق از رویکرد تحلیل بازیگر و به طور مشخص روش مکتور استفاده شده و برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل متغیرها علاوه بر بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای از نظرات خبرگان نیز استفاده شده است.

رهیافت مفهومی و روشی به تحلیل بازیگر

نظریه بازی‌ها و تحلیل بازیگر را می‌توان شامل حوزه نظری و روشی در علوم انسانی در نظر گرفت که از علوم ریاضی وارد این عرصه شده و باعث انجام پژوهش‌های بسیاری در این چهارچوب شده است. در واقع این نظریه در طول قرن بیستم به تدریج تکامل یافت و به یکی از چهارچوب‌های نظری و روشی قابل اعتنا برای تحلیل مسائل مختلف علوم انسانی و به خصوص مطالعات راهبردی تبدیل شد. بسیاری از مورخین، ایجاد تئوری بازی را به جان فون

نویمان ریاضیدان مجارستانی نسبت داده‌اند. در سال ۱۹۲۸ وی به همراه اسکار مونگسترن که اقتصاددانی اتریشی بود، کتاب تئوری بازی‌ها و رفتار اقتصادی را به رشته تحریر درآوردند. اگر چه این کتاب صرفاً برای اقتصاددانان نوشته شده بود، اما کاربردهای آن در روانشناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، جنگ، بازی‌های تفریحی و بسیاری زمینه‌های دیگر به زودی آشکار شد. نوی‌مان بر اساس راهبردهای موجود در یک بازی ویژه شبیه شطرنج، توانست کنش‌های موجود میان دو قدرت ایالات متحده و اتحاد شوروی را در خلال جنگ سرد با در نظر گرفتن آنها به عنوان دو بازیگر در یک بازی مجموع صفر، مدل سازی کند (یگانگی دستگردی، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

نظریه بازی‌ها در طول قرن بیستم با تحول و تکثر جدی روبرو شده و در رشته‌های مختلف گسترش یافته است. با این حال ارتباط قوی آن با راهبرد و مقوله هدفگذاری و تصمیم‌گیری بازیگران باقی مانده و به نوعی مفاهیم و مقوله‌های کلیدی مشترکی دارد که حفظ شده است. لذا بازی، بازیگر و استراتژی از مفاهیم کلیدی نظریه بازی‌ها محسوب می‌شوند. بازی فعالیتی است شامل مجموعه‌ای از قواعد و قراردادهای معین که بین دو یا چند بازیگر انجام می‌شود و هر کدام پیامدهایی را دارد. بازیگر؛ هر شرکت‌کننده در بازی است که ممکن است تعداد آنها دو یا بیشتر باشد. استراتژی نیز قاعده از پیش تعیین شده‌ای است که مشخص می‌کند هر بازیگر در مقابل حرکت دیگری باید چه واکنشی داشته باشد (عرب، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

به اعتقاد برخی، نظریه بازی‌ها را می‌توان به عنوان مطالعه مدل‌های ریاضی منازعه و همکاری بین تصمیم‌گیرندگان عقلانی و هوشمند تلقی کرد. این نظریه، تکنیک‌های عمومی ریاضی برای تحلیل وضعیت‌هایی فراهم می‌آورد که در آن دو یا تعداد بیشتری از افراد تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که بر جایگاه دیگران تأثیرگذار است. بر این اساس نظریه بازی‌ها بینش‌هایی مهم و اساسی ارائه می‌کند که محققان در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی می‌توانند از آنها استفاده کنند. همچنین نظریه بازی‌ها درصدد فهم منازعه و همکاری با مطالعه مدل‌های کمی و نمونه‌های فرضی است. هر چند ممکن است این نمونه‌ها و مثال‌ها از جنبه‌های زیادی بسیار غیر واقعی باشند، اما ساده‌سازی در قالب این الگوها می‌تواند فهم موضوعات اساسی منازعه و همکاری را در مواجهه با شرایط پیچیده عملی تسهیل نماید. هر

چند نظریه بازی‌ها می‌تواند به نادیده گرفتن و حذف بسیاری از جزئیات نیز بیانجامد، اما با توجه به کمک به فهم جایگاه و روابط بازیگران در نهایت می‌توانند به فهم شرایط پیچیده کمک کند (Myerson, 1991: 2-3).

یکی از چالش‌های مهم در مطالعات راهبردی که باعث توجه بیشتر به نظریه بازی‌ها شده است، مساله پیچیدگی روزافزون سیستم‌های سیاسی و اجتماعی است. در واقع این چالش را می‌توان تحلیل سیستم‌های پیچیده‌ای دانست که در آن کنشگران متعددی در تعامل با یکدیگر قرار دارند و نتیجه سیستم از برهم کنش رفتار این کنشگران بدست می‌آید. همچنین هدف نظریه بازی‌ها ارائه یک روش منطقی و قابل محاسبه برای پیش‌بینی نتایج موقعیت‌های استراتژیک و انتخاب‌های هر بازیگر است که به دلیل انواع موقعیت‌های استراتژیک، انواع مدل‌های بازی، شناسایی و ارائه شده است. در بیان استراتژیک، هر بازی دارای اجزای زیر است: مجموعه بازیگران؛ مجموعه اقدام‌ها یا استراتژی‌ها برای هر بازیگر و مجموعه ترجیحات هر بازیگر برای هر اقدام. این اجزا در بازی‌های دونفره بصورت ماتریس نشان داده می‌شود که انتخاب‌های بازیگر اول در ردیف‌ها و انتخاب‌های بازیگر دوم در ستون‌های ماتریس نشان داده می‌شود و در هر سلول ماتریس زوج مرتبی هست که پرداخت به بازیگران را در آن حالت نشان می‌دهد (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

بررسی ادبیات و تحلیل‌های نظری و مفهومی موجود در خصوص نظریه بازی‌ها نشان می‌دهد که برخی از مفروضات و مفاهیم در این نظریه جایگاهی کانونی دارند. مفاهیم مرکزی این نظریه شامل بازی، بازیگر، هدف و استراتژی، قدرت و جایگاه یا منافع بازیگران است. همچنین روند رو به گسترش پیچیدگی سیستم‌های اجتماعی و لزوم ساده‌سازی آن، عقلانیت بازیگران و کارآمدی مدل‌های ریاضی برای تحلیل مسائل استراتژیک نیز از جمله مفروضات این نوع از نظریات هستند. اما با توجه به این مفاهیم و مفروضات به تدریج رویکردهای جدیدتری در نظریه بازی‌ها نیز ظهور کردند که از جمله آنها تحلیل بازیگر است. اما خود حوزه تحلیل بازیگر نیز شامل طیف قابل توجهی از مدل‌ها و رویکردهاست که باعث تنوع نظری و روشی در عرصه مذکور شده است. در مجموع به نظر می‌رسد تحلیل بازیگر در مقایسه با نظریه بازی‌ها به‌رغم اشتراکات، تمرکز بر خود بازیگران بجای روابط خاص بازی‌ها

در قالب الگوهای ریاضی را توسعه می‌دهد. با این حال تلاش برای ساده‌سازی سیستم‌های پیچیده و حتی سطحی از کمی‌سازی و تحلیل روابط و قواعد بین بازیگران و استراتژی‌های بازیگر، ویژگی‌های مشترک تحلیل بازیگر و نظریه بازی‌ها را تشکیل می‌دهد.

در تلاش‌های مفهومی معطوف به تحلیل بازیگر، برای تبیین هدف تحلیل بازیگر بر برخی از ابعاد این چهارچوب نظری تاکید می‌شود که از جمله آنها عبارتند از: شبکه‌ها، به معنای الگوی روابط بین بازیگران؛ برداشت‌ها به معنای تصاویر بازیگران از محیط پیرامونی؛ ارزش‌ها به معنای راهنمای مسیر حرکت بازیگران و منابع به معنای ابزارهای بازیگران برای تحقق اهداف. ضمن اینکه در تحلیل بازیگر به لحاظ رویکردی به رویکردهای هنجاری، ابزاری و توصیفی اشاره می‌شود. رویکرد ابزاری بر اساس عقلانیت استراتژیک و رویکرد هنجاری بر اساس عقلانیت ارتباطی قرار دارد. در عقلانیت استراتژیک بر دستیابی به اهداف با حرکت‌های استراتژیک تاکید می‌شود، اما در عقلانیت ارتباطی، بازیگران در پی حل مساله بر اساس بحث و توافق هستند. تحلیل‌های هنجاری نیز به عنوان یک پیش‌نیاز اساسی برای تحلیل‌های هنجاری و ابزاری محسوب می‌شوند (زارع میرک آباد، ۱۳۹۳: ۸-۵).

در تقسیم‌بندی روش‌های تحلیل بازیگر با توجه به مبنای بکار رفته، تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه می‌شود. اما اینکه در عمل چه روشی برای تحلیلگران مناسب است، به شرایط مسئله بستگی دارد، از جمله این شرایط می‌توان به کیفیت تحلیلی، تمرکز روش، ابعاد و مفاهیمی که پوشش می‌دهد، جایگاه خروجی‌های تحلیل بازیگر در مجموعه بزرگتری از فعالیت‌های تحلیل سیاست، زمان پروژه و مهارت‌های موجود و غیره اشاره کرد. در نتیجه ویژگی‌های یک روش تحلیل بازیگر باید مطابق با نیازها و محدودیت‌هایی باشد که نشأت گرفته از موقعیتی است که در آن تحلیلگران سیاست خودشان را می‌یابند. برخی روش‌های تحلیل بازیگران را به دو دسته "دسته‌بندی تحلیلی" یعنی از بالا به پایین و "روش‌های بازسازی" یعنی از پایین به بالا تقسیم‌بندی می‌نمایند. برخی دیگر در نوع‌شناسی خود روش‌ها را بر اساس معیارهایی نظیر منطق، نوع کارکرد و ... تقسیم‌بندی می‌کنند، این روش‌ها می‌توانند به شناخت بهتر و انتخاب دقیق‌تر روش‌های تحلیل بازیگر در شرایط مختلف منجر شوند. این روش‌ها را می‌توان بر اساس شناسایی ذینفعان، تمایز و دسته‌بندی ذینفعان و بررسی

روابط بین ذینفعان تقسیم‌بندی نمود. هرمانز و تیسن نیز بر اساس دسته‌بندی شبکه‌ها، برداشت‌ها، ارزش‌ها و منابع روش‌های تحلیل بازیگر را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کنند (زارع میرک آباد، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۲).

از جمله مهمترین روش‌های تحلیل بازیگر که به خصوص با اهداف آینده‌پژوهی ارائه شده است را می‌توان شامل روش‌های تحلیل ساختاری دانست که در آنها بر بازیگران و موضوعات تاکید می‌شود. از جمله میشل گوده در آثار خود با هدف ارتباط دادن بین مدیریت استراتژیک و طراحی سناریو به ابتکار و ارائه روش‌هایی مانند میک مک و مکتور پرداخته است. گوده معتقد است که بعد از تبیین و شناسایی مساله می‌توان با روش میک مک یا مکتور به بررسی جدی مسائل استراتژیک پرداخت. روش میک مک شامل شناسایی متغیرهای کلیدی داخلی و خارجی و روش مکتور شامل شناسایی بازیگران و اهداف کلیدی است. در واقع این روش‌ها با شناسایی و تبیین روابط بین متغیرها و بازیگران در نهایت به ارائه دورنما و طراحی سناریوهایی برای موضوع مورد مطالعه کمک می‌کنند (Godet, 2006: 122).

هدف مدل‌های چند بازیگر دستیابی به فهم بهتر سیستم مورد مطالعه و تحول احتمالی آن با توجه به منافع و دیدگاه‌های تمام بازیگران مرتبط و روابط بین آنهاست. در اصل این الگوها نقش برتر بازیگران در تحول محیط خود را به رسمیت می‌شناسند، چرا که آنها می‌توانند بر تعدادی از متغیرهای کلیدی شکل دهنده محیط آینده اثرگذار باشند. همچنین شناسایی مجموعه منسجمی از استراتژی‌هایی که بازیگران دنبال می‌کنند اهمیت دارد، چون این استراتژی‌ها بر عناصر کلیدی سیستم مورد بررسی، اثرات جدی دارند. در این راستا می‌توان به رویکردهای تحلیلی با بازیگران و موضوعات متعدد اشاره کرد که یکی از مهمترین آنها رویکرد میشل گوده است که بر اساس تئوری سیستمی قرار دارد. در این رویکرد، سیستم تحت بررسی به عنوان بازی بین مشارکت کنندگان مختلفی صورت‌بندی می‌شود که در خصوص مسائل کلیدی، منافع واگرا داشته و تلاش می‌کنند تا بر نتایج سیستم در راستای ترجیحات و منافع خود اثرگذار باشند. در این راستا بود که روش مکتور به عنوان روشی جدید برای شناسایی و تبیین وضعیت بازیگران و استراتژی آنها ارائه شد. روش مکتور^۱ بر اساس اثرگذاری متقابل بازیگران قرار دارد و سعی دارد

1 MACTOR (Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations)

تا نگاهی کلان در مورد نتایج مهم و ممکن مسائل مختلف و همچنین استراتژی بازیگران و رابطه قدرت و اتحادها و واگرایی‌های احتمالی ارائه دهد (Bendahan, 2003: 3).

در روش مکتور؛ هدف شناسایی و تبیین بازیگران اصلی اثرگذار و موضوعات کلیدی و سپس درک رابطه بین آنها در قالب یک سیستم کلان است که در نهایت به ارائه نمودارها و نتایج مختلف خواهد انجامید. در این روش باید مراحل مختلفی را طی کرد که از جمله مهمترین آنها عبارتند از: تهیه جدول استراتژی بازیگران که شامل طرح‌ها، انگیزه‌ها، اهداف و موانع آنها می‌شود؛ مشخص کردن مسائل استراتژیک و اهداف مرتبط با صحنه رقابت؛ تعیین موقعیت هر بازیگر در موضوع مورد رقابت و مشخص کردن همگرایی‌ها و واگرایی‌ها؛ رده بندی اهداف هر بازیگر و ارزیابی تاکتیک‌های ممکن با توجه به اولویت اهداف (ضمن توجه به همگرایی و واگرایی احتمالی)؛ ارزیابی روابط قدرت و ارائه توصیه‌های راهبردی برای هر بازیگر و طرح و تبیین پرسش‌هایی در خصوص آینده (Godet, 1991: 107).

در این پژوهش تلاش می‌شود با رویکرد تحلیل بازیگر و به طور مشخص روش مکتور به تبیین مساله استقلال کردستان در عراق پرداخته شود. بر این اساس با تکیه بر آرا و نظرات خبرگان، ابتدا بازیگران کلیدی اثرگذار شناسایی و نوع رویکرد آنها در این خصوص تبیین می‌شود. در مرحله بعدی اصلی‌ترین استراتژی‌های بازیگران در خصوص مساله کردی شناسایی و ارائه خواهد شد. در ادامه با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و استفاده از نرم‌افزار مکتور به تحلیل روابط بین بازیگران و میزان اثرگذاری و اثرپذیری بازیگران در این حوزه در قالب نمودار و گراف پرداخته می‌شود. در مرحله بعدی روابط بین بازیگران و راهبردها تحلیل شده که از جمله نتایج آن ارائه نمودار قدرت رقابت‌پذیری بازیگران و همچنین نمودارهای همگرایی و واگرایی بین بازیگران خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در مورد مساله کردی و استقلال کردها در عراق، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. ضمن اینکه بخش‌های مهمی از این تحقیقات به بررسی اهداف، منافع و راهبرد بازیگران مختلف در خصوص مساله کردی اختصاص دارد؛ تحقیقاتی که به صورت کتاب‌ها و مقالات

به زبان‌های مختلف از جمله فارسی، عربی و انگلیسی منتشر شده است. برخی از این تحقیقات به صورت ویژه به رویکرد بازیگران خاص منطقه‌ای یا قدرت‌های بزرگ مانند ترکیه، آمریکا، ایران و اسرائیل اختصاص دارد و برخی تاثیر مساله کردی بر روابط عراق با کشورهای مختلف را مورد بحث قرار می‌دهد. ضمن اینکه برخی پژوهش‌ها نیز به مساله کردی در متن تاریخی و یا در چهارچوب معادلات درونی عراق می‌پردازد. در این راستا در زیر به برخی از مهمترین و مرتبط‌ترین این آثار می‌پردازیم.

موسسه رند در کتابی با عنوان تاثیرات منطقه‌ای استقلال کردستان به بررسی ابعاد و پیامدهای منطقه‌ای استقلال کردهای عراق می‌پردازد و سعی دارد تا اهداف و راهبردهای برخی از بازیگران منطقه را در این خصوص تبیین کند که به طور خاص بر رویکردها و واکنش‌های دولت‌های عراق، ترکیه و ایران در خصوص استقلال کردها و تشکیل دولت کردی در شمال عراق متمرکز است (Nader, 2016:15-160). در مقاله‌ای با عنوان مرزهای مورد رقابت: شکل‌گیری دولت دوفاکتو کردستان در شمال عراق، نویسنده ضمن تبیین ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری دولت دوفاکتوی کردی در شمال عراق به اثرگذاری و حمایت‌های خارجی در این خصوص بویژه نقش حمایتی امریکا در این خصوص می‌پردازد (JÜDE, 2017: 848-857). در تحلیلی آینده‌نگرانه با عنوان "کردستان عراق و فراسوی آن: منافع اتحادیه اروپا"، نویسنده ضمن اشاره به روند و ابعاد استقلال‌گرایی کردهای عراق و به خصوص همه‌پرسی استقلال در سال ۲۰۱۷، به تبیین پیامدهای احتمالی این مساله برای کشورهای اتحادیه اروپا می‌پردازد و از جمله بی‌ثباتی منطقه‌ای، مهاجرت‌ها از منطقه، افراط‌گرایی و افزایش نقش روسیه در خاورمیانه را به عنوان اصلی‌ترین پیامدهای استقلال کردی برای اروپا بررسی می‌کند (Kader & Lecha, 2018: 2-6).

در مقاله‌ای به قلم یکی از اساتید دانشگاهی عراق، نویسنده ضمن اشاره به اهداف و منافع ترکیه در خصوص عراق بر مساله کردی به عنوان دغدغه کلیدی آنکارا در بغداد می‌پردازد. وی تاکید دارد که در طول سال‌های بعد از ۲۰۰۳ نگرانی‌های ترکیه در خصوص قدرت گرفتن کردها در عراق و اثرگذاری جدی آن بر وضعیت کردهای خود به شدت افزایش یافته و موجب اتخاذ سیاست‌های جدیدی در این حوزه از سوی رهبران ترک شده است

(عبدالطیف، ۲۰۱۵: ۴۱۱-۴۲۲). در مقاله‌ای با عنوان روابط کردی-اسرائیلی نویسنده در وهله نخست به مرور روابط و تماس‌های رهبران کرد با اسرائیل می‌پردازد و سپس اهداف و منافع کلیدی اسرائیل در حوزه کردی را مورد تحلیل قرار می‌دهد (المحمد، ۲۰۱۶: ۳۴۸-۳۶۸). در تحقیقی دیگر تلاش شده است تا مساله کردی در چهارچوب منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد و در این راستا ضمن اشاره به سوابق تاریخی تاثیرگذاری مساله کردی بر روابط دولت‌های منطقه و از جمله نزدیکی و توافق‌های آنان در این خصوص، نوع رویکرد قدرت‌های بزرگ در خصوص مساله کردی نیز تبیین شده است (احمد، ۲۰۱۱: ۳۰۲-۳۲۷).

علاوه بر تحقیقات بالا، نتایج پژوهش‌های مختلفی نیز در خصوص راهبردها و رویکردهای بازیگران در خصوص مساله کردی منتشر شده است. برخی از این آثار به تبیین راهبرد کشوری خاص پرداخته و برخی دیگر جنبه تطبیقی داشته و به بررسی رویکردها و منافع دو بازیگر در این حوزه پرداخته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران نویسنده با تلاش برای فهم رویکردهای اسرائیل در کردستان عراق و درک ریشه‌ها و دلایل آن که به خصوص به پیشبرد و تأمین منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک این رژیم در منطقه مرتبط است، تبعات این موضوع برای ایران را نیز مورد واکاوی قرار می‌دهد (روحی، ۱۳۹۳: ۱۴۶-۱۰۷). در مقاله‌ای دیگر با عنوان "خرده میدان کردستان عراق، عرصه رقابت میدان‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه"، نویسندگان ضمن بررسی راهبردهای ایران و ترکیه در حوزه کردستان عراق به تبیین اختلافات و اشتراکات دو کشور در این حوزه می‌پردازد (عبداله پور، ۱۳۹۳: ۲۰). در پژوهشی دیگر با عنوان "ژئواستراتژی کردستان عراق: بررسی استراتژی‌های ایالات متحده و ایران"، نویسنده به تبیین راهبردهای امریکا و ایران در کردستان عراق پرداخته و ضمن اشاره به حضور و نقش امریکا در این حوزه، نگرانی‌های ایران از حضور قدرت‌های رقیب در شمال عراق را مورد بررسی قرار می‌دهد (اسمعیل پور روشن، ۱۳۹۶: ۳۷۰-۳۷۵).

در مجموع بررسی ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که تحقیقات متعددی در خصوص راهبردهای بازیگران مختلف در خصوص مساله کردی در عراق انجام شده و رویکرد بازیگران منطقه‌ای مختلف مانند ترکیه، ایران و اسرائیل و همچنین

نوع نگاه و سیاست‌های قدرت‌های جهانی مانند امریکا یا کشورهای اروپایی در مورد استقلال کردهای عراق تبیین شده است. نوآوری این پژوهش تبیین و بررسی راهبردهای بازیگران در قالب رویکردی جامع و سیستمی به تحلیل بازیگر با روش مکتور است. به عبارتی دیگر در حالی که عمده تحقیقات انجام شده به بررسی اهداف و راهبردهای هر یک از بازیگران به صورت جداگانه یا مطالعه تطبیقی نقش دو بازیگر می‌پردازد در اینجا در قالب یک تحقیق منافع و راهبردهای همه بازیگران کلیدی مورد بررسی قرار گرفته و با کمک نرم‌افزار مکتور نسبت بین بازیگران و راهبردها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه در پایان، نتایج جدیدی حاصل می‌شود که بر اساس آن می‌توان میزان همگرایی یا واگرایی بین بازیگران در حوزه کردستان عراق را تبیین کرد و راهبردهای مورد اجماع یا اختلاف را نیز مورد شناسایی قرار داد. فایده دیگر این رویکرد سیستمی به تحلیل بازیگر رسیدن به درکی جامع در خصوص مساله استقلال کردی و ارائه دورنمای احتمالی آن است.

بازیگران و راهبردهای اصلی در مورد استقلال کردی

در موضوع استقلال کردی در عراق بازیگران متعددی اثرگذارند که شامل بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. برای انجام تحقیق بر اساس روش مکتور پس از مشخص کردن مساله تحقیق، گام نخست؛ شناسایی بازیگران کلیدی اثرگذار و تبیین رویکردهای آنها است که این فعالیت بر اساس نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در قالب پنل‌های خبرگی انجام می‌پذیرد. در این تحقیق یازده بازیگر به عنوان بازیگران کلیدی اثرگذار بر مساله کردی در عراق شناسایی شدند که عبارتند از: دولت اقلیم کردستان و دولت مرکزی داخل عراق، سه همسایه دارای اقلیت کرد عراق شامل ایران، ترکیه و سوریه، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به عنوان بازیگران محوری منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ شامل امریکا، روسیه، دولت‌های اروپایی و چین. در این بخش به هر کدام از این بازیگران اشاره شده و در نهایت به استخراج راهبردهای کلیدی بازیگران مورد بررسی در مساله استقلال کردستان به صورت تیتروار پرداخته می‌شود.

بازیگران داخلی عراق

دولت اقلیم کردستان را می‌توان تبلور تلاش‌های استقلال‌خواهانه کردهای عراق در طول دهه‌های متممادی دانست که از دهه ۱۹۹۰ به تدریج شکل گرفته و تکامل یافت و در دوره بعد از سقوط حکومت صدام به صورت قانونی به عنوان دولتی برای هدایت اقلیم کردستان در ذیل بغداد شناسایی و تثبیت شد. هر چند گروه‌های کرد عراق در خصوص مساله کردی و استقلال‌خواهی با برخی اختلافات تاکتیکی مواجهه هستند اما تمرکز و اجماع تمام جریان‌های کرد بر استقلال کردی به عنوان آرمانی قومی باعث شده است که در اینجا تمام جریان‌های کردی را با عنوان واحد ذیل مفهوم دولت اقلیم کردستان بررسی نماییم (التمیمی، ۲۰۱۸: ۲۷-۲۸).

رهبران و جریان‌های کردی عراق از دهه‌های گذشته تلاش‌های مختلف و متداومی را برای افزایش سطح خودگردانی محلی و خودمختاری از دولت مرکزی آغاز کرده‌اند که نتیجه نهایی آن ایجاد اقلیم کردستان در شمال عراق در سال‌های پس از ۲۰۰۳ ذیل نظام فدرالی جدید بوده است. با این حال رسیدن به مراحل بالاتری از قدرت و خودمختاری و به خصوص جدایی از عراق و تشکیل دولت کردی مهمترین هدف و آرمان اقلیم کردستان محسوب می‌شود. ضمن اینکه در افق بلندمدت تشکیل کردستان بزرگ نیز می‌تواند از اولویت‌های کردهای عراق در سطح منطقه تلقی شود. برگزاری همه‌پرسی استقلال در مناطق کردی در سپتامبر ۲۰۱۷ با وجود ناکامی، از مهمترین تلاش‌های دولت اقلیم برای جدایی از عراق بوده است. با این حال مخالفت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، چالش‌های داخلی کردی و مقاومت دولت مرکزی عراق، پیشبرد طرح استقلال را برای کردها بسیار دشوار ساخته است (Soderberg, 2015: 10-25).

نقش و عملکرد دولت مرکزی عراق را می‌توان از مهمترین عوامل اثرگذار بر مساله استقلال کردی در عرصه داخلی برشمرد. در شرایطی که دولت مرکزی عراق قدرتمند باشد فرصت کردها برای حرکت به سمت استقلال کاهش می‌یابد و با تضعیف و ناکارآمدی دولت مرکزی، فرصت کردها برای جدایی از بغداد افزایش خواهد یافت. از دهه ۱۹۹۰ ضعف دولت مرکزی باعث بروز فرصت‌هایی برای جنبش کردی شد و به خصوص در سال‌های پس از ۲۰۰۳ با تشدید بحران‌های داخلی عراق از جمله ظهور داعش دولت مرکزی عراق با مشکلات کلیدی

برای اعمال حاکمیت مواجهه شد. اما همانگونه که تحولات بعد از همه‌پرسی کردی در سال ۲۰۱۷ نشان داد، در صورت مساعد بودن شرایط بیرونی و توان مناسب بغداد، دولت مرکزی اراده لازم را برای مقابله با جدایی‌طلبی کردی دارد. در واقع اعمال جدی حاکمیت در مناطق کردی و مقابله با تلاش‌های واگرایانه، هدف اصلی دولت مرکزی در این خصوص محسوب می‌شود و بغداد تلاش می‌کند تا با بکارگیری ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی از جدایی کردستان و تشکیل دولت کردی ممانعت کند (Crisis Group, 2017: 8-9).

بازیگران منطقه‌ای

ترکیه به عنوان یکی از همسایگان مهم عراق که دارای اقلیت کرد نیز می‌باشد نقشی اساسی در مساله استقلال کردی دارد. این کشور از این نگران است که استقلال کردهای عراق باعث قدرت گرفتن حزب کارگران کردستان به عنوان اصلی‌ترین تهدید امریکا و همچنین تحریک کردهای ترکیه برای جدایی شود. رهبران ترکیه به‌رغم نگرانی از تحولات شمال عراق، از سال‌های ۲۰۰۸ به بعد به تدریج درصدد بهبود روابط با اقلیم کردی بودند، به گونه‌ای که هم منافع اقتصادی آنها را تامین کند و هم باعث گسترش نفوذ آنها در این حوزه شود. در واقع گذشته از مقطع اولیه بعد از سال ۲۰۰۳، ترکیه و حکومت کردستان عراق به همکاری‌های مشترکی در حوزه‌های مختلف به خصوص ابعاد اقتصادی و انرژی و حتی مسائل امنیتی شکل دادند، اما مساله کردی و استقلال‌گرایی کردها به عنوان تعارضی مهم در عرصه ژئوپلیتیک باقی مانده است (USTUN and DUDDEN, 2017: 9-22). با توجه به این نوع از روابط، تحلیل‌ها در خصوص نوع واکنش احتمالی ترکیه در قبال تلاش‌های جدایی‌طلبانه کردهای عراق متفاوت بوده است. با این حال مخالفت جدی ترکیه با همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷ نشان داد که با وجود تلاش‌های آنکارا برای تضمین منافع در حوزه کردی عراق، این کشور در خصوص تشکیل کشور کردی به شدت واکنش نشان می‌دهد (Meintjes, 2018: 7).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به مرزهای طولانی با عراق و همچنین روابط خاص با رهبران شیعی و کرد این کشور و همچنین نقش آفرینی جدی در عراق پس از صدام، یکی از

اثرگذارترین بازیگران در تحولات کردی عراق محسوب می‌شود. روابط ایران با کردهای عراق متحول و پیچیده بوده است و به عنوان نمونه ایران در دهه ۱۹۷۰ از کردها در مقابل بغداد حمایت کرد و توانست به برتری‌هایی در اختلافات مرزی با بغداد دست یابد (العیدی، ۲۰۱۲: ۲۴۵-۲۳۸). اما هر چند ایران با جامعه و رهبران کردی عراق پیوندها و روابط بالایی دارد و از مشارکت کردها در روند سیاسی جدید حمایت کرده است، اما با استقلال و جدایی کردها از عراق مخالف است. از منظر تهران، شکل‌گیری دولت کردی در عراق از ابعاد مختلف به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. اثرگذاری خودمختاری و استقلال کردی در عراق بر کردهای ایران به عنوان تهدیدی نرم یکی از نگرانی‌های تهران محسوب می‌شود (بوژمهرانی و اسلامی، ۱۳۹۳: ۸۷). تجزیه عراق در نتیجه استقلال کردی و گسترش بی‌ثباتی در مرزهای غربی ایران و همچنین تضعیف عراق به عنوان متحد نزدیک تهران در منطقه از دیگر دلایل مخالفت ایران با استقلال کردی است. بر این اساس است که ایران به یکی از بازیگرانی تبدیل شده که نقشی کلیدی را در ممانعت از پیشرفت روند استقلال کردی در عراق داشته است.

به‌رغم مخالفت‌های عمده بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی با استقلال کردها در عراق، رژیم صهیونیستی به عنوان تنها بازیگر موافق و متمایل به تشکیل دولت کردی در عراق محسوب می‌شود. این رژیم به دلایل مختلفی مانند افزایش نفوذ منطقه‌ای به خصوص در مجاورت جمهوری اسلامی ایران، بهره‌برداری از منابع انرژی کردستان عراق، گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه و ایجاد روندی معطوف به تجزیه کشورهای منطقه و شکل‌دهی به متحد جدیدی بنام دولت کردی از استقلال کردهای عراق حمایت می‌کند (جلال پور و لطیفی نیا، ۱۳۹۵: ۱۸۱). در جریان برگزاری همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق در سپتامبر ۲۰۱۷ مقامات رژیم صهیونیستی به صورت رسمی و آشکار از برگزاری همه‌پرسی و تشکیل دولت کردی در شمال عراق حمایت کردند. از جمله نتانیا هو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، از تشکیل کشور کردی به شدت حمایت کرد و آن را به عنوان ذخیره استراتژیک برای این رژیم عنوان کرد (ایسنا، ۱۳۹۶).

عربستان سعودی به عنوان کلیدی‌ترین کشور عربی منطقه به‌رغم دارا نبودن اقلیتی کرد

همانند ایران و ترکیه، از یکپارچگی و وحدت عراق حمایت می‌کند (McMillan, 2006: 2-4). لذا به‌رغم برخی تنش‌ها در روابط بغداد و ریاض در دوره پس از صدام - که در سال ۲۰۱۷ تا حد زیادی برطرف شد- عربستان از استقلال کردها حمایت نکرده است. در واقع عربستان فارغ از اهداف و دغدغه‌های سیاسی خود در خصوص تحولات داخلی عراق و همچنین احتمال برخی استفاده‌های مقطعی از کردهای عراق، تشکیل دولت کردی و تجزیه عراق را به نفع خود نمی‌داند و آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود تلقی می‌کند.

سوریه به عنوان یکی دیگر از همسایگان دارای اقلیت کرد و همسایه عراق نیز با استقلال کردها و تجزیه عراق مخالف است و آن را به عنوان بستری برای تحریک و جدایی کردهای خود می‌داند. کشور سوریه از زمان استقلال با مساله کردی درگیر بوده است و تلاش کردهای این کشور برای احیا و تقویت هویت کردی و درخواست مطالبات سیاسی همواره برای دمشق نگران کننده بوده است (الهمیص، ۲۰۱۰: ۲۲-۲۳). با این حال با توجه به درگیری سوریه در بحران داخلی و در اولویت قرار داشتن ایجاد امنیت و تسلط بر بخش‌های مختلف سرزمین خود، دمشق حداقل در سال‌های پیش‌رو نمی‌تواند از اثرگذاری بالایی در این موضوع برخوردار باشد.

قدرت‌های بین‌المللی

امریکا را می‌توان به عنوان اثرگذارترین قدرت بین‌المللی در تحولات عراق و از جمله مساله کردستان دانست. این کشور تلاش کرده است تا روابط مناسبی با کردها و بغداد داشته و از گسترش تنش‌ها بین دو طرف ممانعت کند. هر چند درون امریکا در سطوح تحلیلی و مطالعاتی، تبیین‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص استقلال کردهای عراق وجود دارد، اما امریکا در سطح سیاستگذاری با استقلال کردها مخالفت کرده است. سیاست امریکا در قبال کردهای عراق در چهارچوب سیاست‌های کلان این کشور در منطقه و در خصوص عراق قرار دارد که از جمله آنها شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای متعادل و کنترل بی‌ثباتی‌ها است (السعدون و عواد، ۲۰۱۶: ۲۹). بر این اساس، امریکا به دلیل نگرانی بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای در نتیجه تجزیه عراق و همچنین از بین رفتن منافع و دستاوردهای خود در این کشور در سال‌های

پس از ۲۰۰۳ با ایجاد دولت کردی و تجزیه عراق مخالفت می‌کند. در این راستا بود که در تحولات همه‌پرسی کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ مخالفت‌های امریکا نقشی کلیدی در ناکامی رهبران کرد داشت (Bokhari, 2017: 2-3).

نقش و تاثیرگذاری روسیه در حوزه عراق و مساله کردی در مقایسه با امریکا نقشی ثانویه محسوب می‌شود. اما عضویت روسیه به عنوان عضو دایمی شورای امنیت و همچنین گسترش نقش مسکو در منطقه در سال‌های اخیر می‌تواند اثرگذاری مسکو در تحولات کردی را قابل توجه نماید. رویکرد روسیه در خصوص استقلال کردستان را می‌توان رویکردی منفی و توأم با مخالفت دانست. استقلال کردستان در کوتاه و میان‌مدت باعث بی‌ثباتی و تضعیف بیشتر حاکمیت‌های ملی در منطقه خواهد شد و مسکو مخالف این امر خواهد بود. بویژه اینکه باقی ماندن روسیه در سوریه در بلندمدت و حفظ دستاوردهای کنونی آن در این کشور و خاورمیانه در گرو حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و دولت مقتدر در دمشق است. روسیه می‌داند که استقلال کردستان عراق دومینویی از خواسته‌ها و تلاش‌های مشابه نه تنها از سوی کردهای سوریه، بلکه سایر گروه‌های قومی و مذهبی را در سوریه و عراق در پی خواهد داشت و این مسئله با دامن زدن به بی‌ثباتی منافع آن را نیز به خطر می‌اندازد. با این حال روسیه با اتخاذ موضع میانه در خصوص کردها و تأکید بر ضرورت اعطای خودمختاری بیشتر به آنها در عین حفظ حاکمیت ملی عراق و سوریه، ضمن حفظ منافع تاکتیکی فعلی خود، هم در طرف کردی و هم در رابطه با دولت‌های نگران منطقه، گزینه‌های خود در نقشه آینده خاورمیانه را حفظ می‌نماید (نوری، ۱۳۹۶: ۱-۲).

کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا دلایل مختلفی برای مخالفت با استقلال کردهای عراق دارند. بی‌ثباتی و ناامنی گسترده در خاورمیانه مهمترین دلیلی است که اروپایی‌ها روند استقلال کردی را روندی پرچالش و سخت می‌دانند. ظهور داعش و بحران گسترده در خاورمیانه در طول سال‌های پس از ۲۰۱۴ به خصوص بحران سوریه باعث هجوم تعداد زیادی آواره به کشورهای اروپایی و مواجه شدن این کشورها با چالش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی جدی شد. بر این اساس، رهبران اروپایی نگرانند که روند استقلال کردی باعث قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی مانند داعش و همچنین ایجاد منازعات بین گروه‌های قومی و مذهبی

مختلف در منطقه شود. این تحولات به مفهوم ناامنی و بی‌ثباتی گسترده در خاورمیانه و ظهور چالش‌های بزرگتر برای اروپایی‌ها تلقی می‌شود و باعث مخالفت اتحادیه اروپا با استقلال کردهای عراق شده است (Cockburn, 2017).

چین با وجود اثرگذاری اندک بر تحولات عراق و مسائل کردی منطقه، همانند اغلب قدرت‌های بزرگ مخالف استقلال کردها و تجزیه عراق بوده و بر وحدت سرزمینی این کشور تاکید دارد. در واقع چینی‌ها از قدرت و اراده لازم برای اثرگذاری بر مساله کردی و یکپارچگی عراق برخوردار نیستند و همواره بر تمامیت کشورهای منطقه تاکید کرده‌اند. رویکردی که از اصول و مبانی سیاست خارجی چین و نقش متعارف آن در خاورمیانه ناشی می‌شود. در واقع برای چین، استقلال کردستان عراق به منزله روند جدیدی از بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه است که نمی‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. به عبارت دیگر مخالفت چین با تشکیل دولت کردی و تجزیه عراق در قالب سیاست‌های کلان این کشور در خاورمیانه از جمله ثبات در محیط خاورمیانه به عنوان تداوم محیط پیرامونی این کشور محسوب می‌شود (Scobell, Nader, 2016: 13).

در حالی که در بالا به رویکرد بازیگران اصلی اثرگذار در کردستان عراق و تحولات این کشور پرداخته شد، در مجموع مهمترین اهداف و راهبردهای بازیگران در حوزه کردستان عراق را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد که در اینجا با توجه به محدودیت‌های مقاله از تشریح آنها خودداری می‌کنیم:

- تجزیه عراق به سه کشور مستقل؛
- شکل‌گیری کردستان بزرگ؛
- استقلال اقلیم با الحاق مناطق مورد مناقشه؛
- الحاق مناطق مورد مناقشه به اقلیم کردی؛
- رشد و خوداتکایی اقتصادی اقلیم کردستان؛
- قدرت نظامی استراتژیک و مستقل اقلیم کردستان؛
- روابط خارجی مستقل اقلیم کردستان؛
- تداوم تقسیم کار سیاسی فعلی میان احزاب کردی در دولت کردی؛

- آمادگی برای دادن هزینه در دفاع از دولت کردی در فرایند تثبیت استقلال؛
- روابط نظامی- استراتژیک دولت کردی با رژیم اسرائیل؛
- دواقلیمی شدن کردستان عراق؛
- انحلال اقلیم کردی؛
- تشدید بحران و بی‌ثباتی منطقه ای در روند استقلال کردی؛
- پرداخت هزینه برای حفظ وحدت سرزمینی عراق.

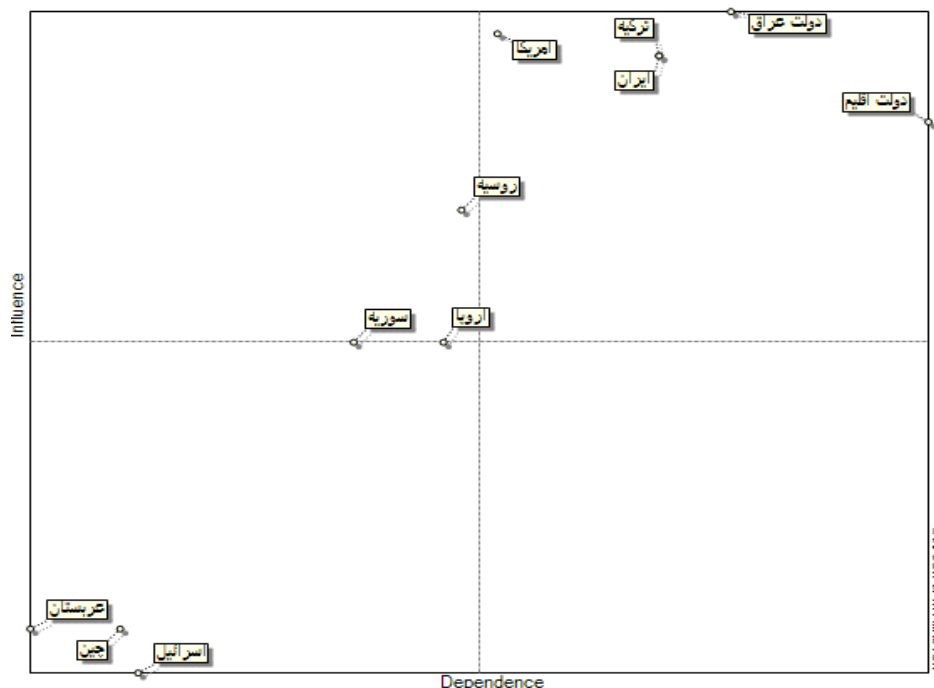
تحلیل روابط بین بازیگران

برای بررسی روابط بین بازیگران با روش مکتور پس از شناسایی بازیگران کلیدی و راهبردهای اصلی، دیدگاه خبرگان در خصوص میزان اثرگذاری و اثرپذیری بازیگران مختلف دخیل، اخذ و در ماتریس مورد نظر درج می‌شود و سپس با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکتور، نتایج دیگری مانند نمودار و گراف اثرگذاری و اثرپذیری بازیگران ارائه می‌شود. در این راستا با بهره‌گیری از ماتریس تاثیرات مستقیم و ماتریس تاثیرات غیرمستقیم، نمودار اثرگذاری بازیگران و نمودار رقابت‌پذیری بازیگران در مساله، مورد بررسی ارائه و تحلیل خواهد شد.

همانگونه که نمودار زیر نشان می‌دهد در موضوع استقلال کردستان؛ اسرائیل، چین و عربستان از حداقل اثرگذاری و اثرپذیری برخوردارند و می‌توان نقش آنها را تا حد زیادی کم‌رنگ دانست. در میان بازیگران مورد بررسی، دولت مرکزی عراق بیشترین اثرگذاری را داشته و دولت اقلیم بیشترین اثرپذیری را نشان می‌دهد. در میان بازیگران اثرگذار بعد از دولت مرکزی عراق، امریکا و سپس ایران و ترکیه قرار دارند و دولت اقلیم کردستان و روسیه به لحاظ تاثیرگذاری در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. ضمن اینکه سوریه و دولت‌های اروپایی در میانه نمودار واقع شده و سطح متوسطی از اثرگذاری و اثرپذیری را دارند. نکته مهم این است با توجه به اینکه دولت مرکزی عراق و دولت اقلیم به طور همزمان از اثرگذاری و اثرپذیری بالایی برخوردارند، نقش این دو بازیگر در آینده کردستان عراق بسیار اساسی تلقی می‌شود.

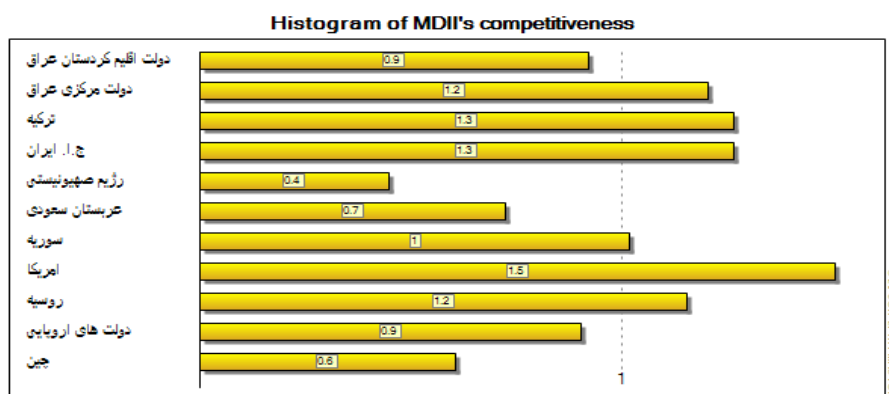
نمودار اثرگذاری و اثرپذیری بازیگران^۱

Map of influences and dependences between actors



در بررسی و تحلیل روابط بازیگران در روش مکتور یکی دیگر از خروجی‌ها، نمودار هیستوگرام رقابت‌پذیری یا قدرت رقابتی بازیگران است که از ماتریس‌های قبلی بدست می‌آید. نمودار زیر، قدرت رقابتی بازیگران در مساله استقلال کردستان عراق را به خوبی نشان می‌دهد. همانگونه که پیداست امریکا بیشترین قدرت رقابتی را در میان بازیگران داشته و بعد از آن دو کشور ایران و ترکیه قرار دارند. دولت مرکزی عراق و روسیه نیز در مرتبه بعدی به لحاظ رقابت‌پذیری قرار دارند. رژیم صهیونیستی، چین و عربستان کمترین قدرت رقابتی را دارند و سوریه و دولت اقلیم از سطح متوسطی از قدرت رقابتی در مساله مورد بررسی برخوردارند. نکته مهم اینکه دولت اقلیم در مساله استقلال کردستان، قدرت رقابتی متوسطی داشته و این موضوع عمدتاً تحت تاثیر بازیگران خارجی قرار دارد.

۱ . در این نمودار محور عمودی میزان اثرگذاری و محور افقی میزان اثرپذیری بازیگران مورد بررسی در موضوع استقلال کردستان عراق را نشان می‌دهد.

نمودار رقابت‌پذیری بازیگران^۱

یافته‌های فوق نشان می‌دهد که در مساله استقلال کردستان عراق، سه بازیگر خارجی شامل امریکا، ایران و ترکیه در کنار دو بازیگر داخلی شامل دولت مرکزی عراق و دولت اقلیم تعیین‌کنندگی بالایی دارند و هرگونه تحول در این موضوع در آینده به نوع اهداف، منافع و راهبردهای این بازیگران یا وقوع تغییراتی در آنها وابسته است. لذا تا زمانی که ایران، امریکا و ترکیه با شکل‌گیری دولت کردی مخالف بوده و در کنار دولت عراق قرار دارند، استقلال کردها و شکل‌گیری دولت کردی بسیار دشوار یا غیرممکن خواهد بود.

تحلیل روابط بازیگران و راهبردها

در روش مکتور بجز تحلیل روابط بین بازیگران، تحلیل روابط یا نسبت بین بازیگران و راهبردهای مورد نظر نیز یکی از ابعاد مهمی است که با توجه به خروجی‌های این بخش صورت می‌گیرد. در این بخش از خروجی‌های مهم، نمودار موافقت و مخالفت بازیگران با راهبردها و همچنین نمودارها و گراف‌های همگرایی و واگرایی بازیگران در راهبردهای مورد بررسی مورد توجه است که در زیر به ارائه و تحلیل برخی از آنها پرداخته می‌شود.

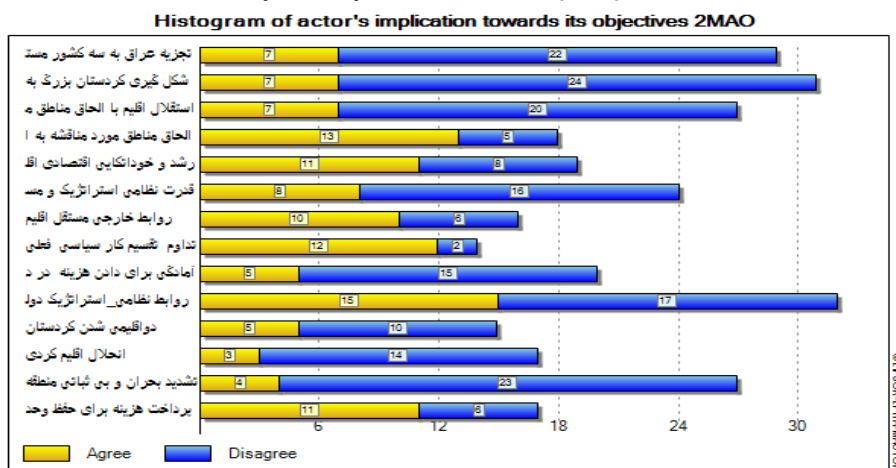
- نمودار موافقت و مخالفت بازیگران با راهبردها

این نمودار از ماتریس موقعیت ارزش گذاری شده (MAO2) میان بازیگران و اهداف به

۱. این نمودار از ماتریس اثرگذاری و اثرپذیری بازیگران بدست می‌آید. ضمن اینکه نمودار حداکثر رقابت‌پذیری بازیگران نیز به عنوان یکی دیگر از خروجی‌های مکتور قابل ارائه است.

دست می‌آید. نمودار یاد شده نشان دهنده مجموع میزان موافقت یا مخالفت بازیگران با هر یک از راهبردهای مورد تعقیب در خصوص کردستان عراق است.

نمودار موافقت و مخالفت بازیگران با راهبردها



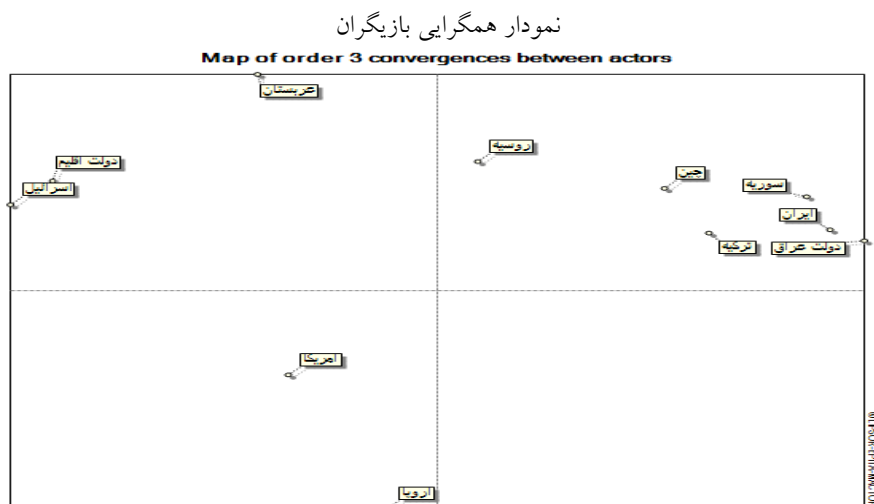
همانگونه که نمودار نشان می‌دهد راهبرد روابط نظامی- استراتژیک دولت کردی با رژیم صهیونیستی بیشترین حساسیت را در میان بازیگران دارد. دیگر راهبردهای مهم و دارای حساسیت بالا در رویکرد بازیگران مورد بررسی به ترتیب عبارتند از: شکل‌گیری کردستان بزرگ؛ تجزیه عراق به سه کشور مستقل؛ تشدید بحران و بی‌ثباتی منطقه‌ای در روند استقلال کردی و استقلال اقلیم با الحاق مناطق مورد مناقشه. همچنین برخی از راهبردها کمترین اهمیت و حساسیت را در میان بازیگران دارند که به ترتیب عبارتند از: تداوم تقسیم کار سیاسی فعلی میان احزاب کردی در دولت کردی و دو اقلیمی شدن کردستان. سایر راهبردها نیز با برخی تفاوت‌ها، حساسیت متوسطی برای بازیگران مورد بررسی دارند.

بر اساس نمودار، راهبردهایی که به بیشترین میزان مورد مخالفت بازیگران قرار دارند به ترتیب عبارتند از: شکل‌گیری کردستان بزرگ؛ تشدید بحران و بی‌ثباتی منطقه‌ای در روند استقلال کردی؛ تجزیه عراق به سه کشور مستقل و استقلال اقلیم با الحاق مناطق مورد مناقشه. همچنین در خصوص چهار راهبرد کمترین موافقت از سوی بازیگران وجود دارد که عبارتند از: انحلال اقلیم کردی؛ تشدید بحران و بی‌ثباتی منطقه‌ای در روند استقلال کردی؛ دو اقلیمی شدن کردستان و آمادگی برای دادن هزینه در دفاع از دولت کردی در فرایند تثبیت استقلال.

موارد فوق نشان می‌دهد که شکل‌گیری دولت کردی در عراق متشکل از سه استان کنونی تحت سیطره اقلیم و مناطق کردی مجاور با مخالفت و ممانعت عمده بازیگران اثرگذار مواجه است و این مخالفت با مولفه‌هایی نظیر نگرانی از تجزیه عراق، شکل‌گیری کردستان بزرگ با الحاق مناطق کردی کشورهای مجاور و به خصوص توسعه بی‌ثباتی و بحران در منطقه ارتباط جدی دارد. بر این اساس تا زمانی که استقلال کردها به عنوان تحولی معطوف به گسترش بی‌ثباتی و بحران در منطقه محسوب می‌شود، امکان تحقق آن با موانع جدی روبروست و حمایت از یکپارچگی عراق به عنوان متغیری محسوب می‌شود که در حفظ ثبات نسبی در خاورمیانه اثرگذاری بالایی دارد. با این حال در صورت تغییر شرایط در منطقه و تشکیل کشور کردی به گونه‌ای که بازیگران دخیل آن را به عنوان تحولی بی‌ثبات‌کننده تصور نکنند می‌تواند به تدریج بسترهای استقلال کردی را تقویت نماید.

- نمودار و گراف همگرایی بین بازیگران

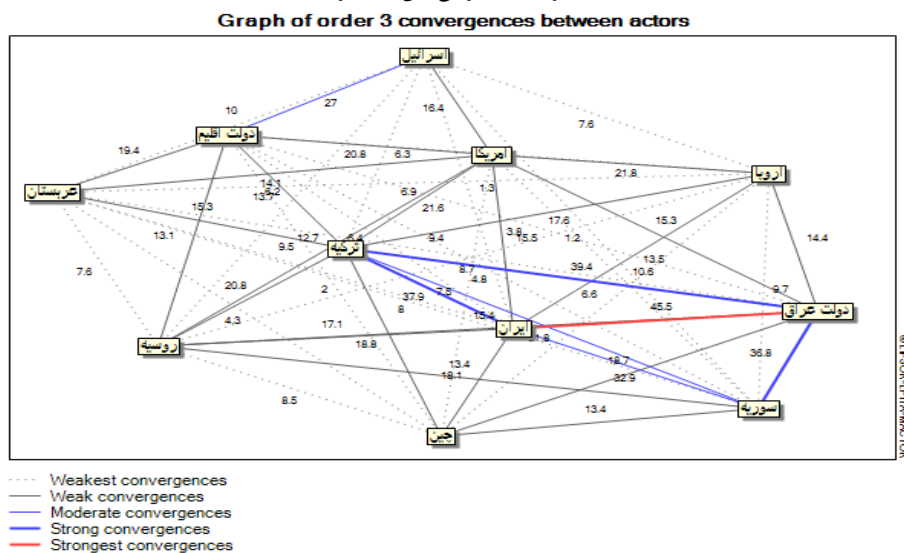
در تحلیل میزان همگرایی یا توافق بین بازیگران در خصوص راهبردهای ترسیم شده در مورد استقلال کردستان عراق با روش مکتور می‌توان به سه نوع ماتریس، نمودار و گراف دست یافت که در اینجا به ارائه و تحلیل نمودار و گراف همگرایی سطح سوم (CA۳) می‌پردازیم.



همانگونه که نمودار فوق نشان می‌دهد بازیگران مورد بررسی در خصوص راهبردهای

مذکور به لحاظ همگرایی یا موافقت، جایگاه‌های متفاوتی دارند و چند دسته از بازیگران در این خصوص قابل شناسایی هستند. دولت مرکزی عراق، ایران، ترکیه، سوریه و چین همگرایی و موافقت بالایی در خصوص راهبردها دارند. ضمن اینکه رژیم صهیونیستی به عنوان تنها بازیگری است که با اقلیم کردستان همگرایی بالایی را نشان می‌دهد. دولت‌های اروپایی، امریکا، عربستان و روسیه چهار بازیگری هستند که به لحاظ همگرایی وضعیت‌های متفاوت و خاص خود را دارند. امریکا و اروپا همگرایی بیشتری داشته و در میانه طیف بین دولت مرکزی عراق و اقلیم قرار دارند. روسیه به طیف دولت مرکزی عراق نزدیک‌تر بوده و عربستان نیز همگرایی بیشتری با دولت اقلیم و رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد.

گراف همگرایی بین بازیگران



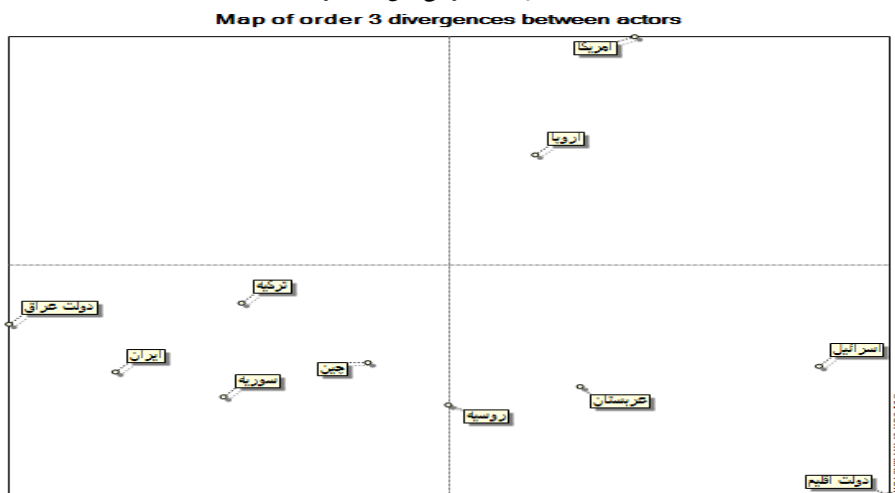
گراف همگرایی بین بازیگران نیز نتایج قابل توجهی را بدست می‌دهد. بر اساس این گراف ایران و دولت عراق قوی‌ترین همگرایی را در راهبردهای مورد بررسی دارند. همچنین بین ترکیه با دولت عراق و ترکیه با ایران نیز همگرایی قوی وجود دارد. سوریه نیز با ترکیه و ایران همگرایی متوسطی را نشان می‌دهد. نکته مهم دیگر اینکه بین اسرائیل و دولت اقلیم همگرایی متوسطی وجود دارد. سایر ابعاد همگرایی بین بازیگران ضعیف و بسیار ضعیف محسوب می‌شوند.

نتایج ناشی از نمودار و گراف همگرایی بین بازیگران مورد بررسی در موضوع استقلال کردی نشان می‌دهد که دولت مرکزی عراق و سه دولت دارای اقلیت کردی دیگر به عنوان همسایگان عراق شامل ایران، ترکیه و سوریه بیشترین بسترها و زمینه‌ها را برای همکاری جهت مقابله با شکل‌گیری دولت کردی دارند. در سوی مقابل اسرائیل به عنوان تنها بازیگری است که بیشترین ظرفیت را برای همگرایی و همکاری با اقلیم کردستان در جهت حمایت از تشکیل دلت کردی دارد. سایر بازیگران نیز به رغم اثرگذاریهایی خاص خود عمدتاً در جایگاه میانه قرار داشته و رفتار آنها تا حد زیادی تابعی از روند استقلال کردی و رویکرد بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شود. لذا مقابله با استقلال کردی در وهله اول به چگونگی همکاری و هماهنگی دولتهای منطقه با محوریت دولت مرکزی عراق ایران، ترکیه و سوریه بستگی خواهد داشت.

- نمودار و گراف واگرایی بین بازیگران

یکی دیگر از نتایج روش مکتور، نمودار و گراف واگرایی بین بازیگران است که در اینجا به ارائه و تحلیل نمودار و گراف سطح سه بازیگران در موضوع استقلال کردستان عراق پرداخته می‌شود که از ماتریس واگرایی سطح سه (DAA3) بدست می‌آید.

نمودار واگرایی بین بازیگران



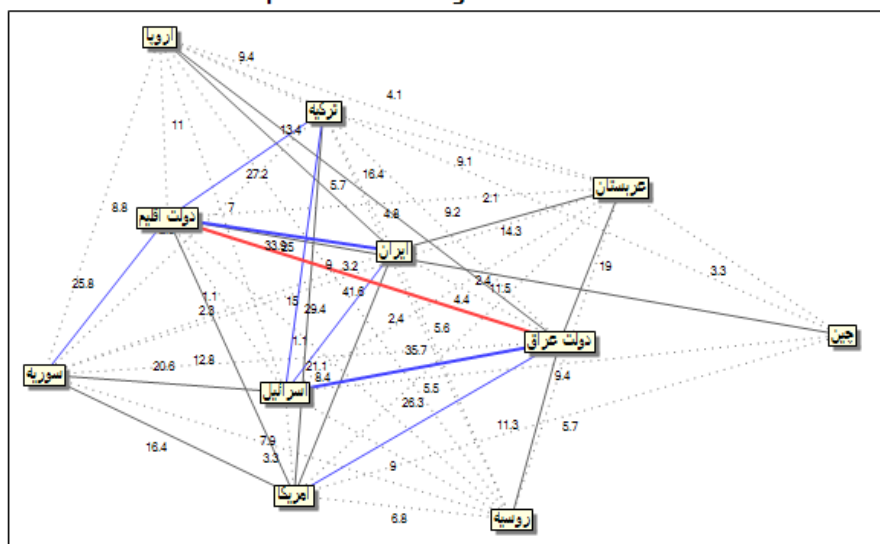
بر اساس نمودار واگرایی، در خصوص راهبردهای مدنظر بین بازیگران مورد بررسی،

واگرایی‌های به نسبت زیادی وجود دارد. با این حال برخی از مهمترین واگرایی‌ها بر اساس نمودار در قالب موارد زیر قابل اشاره است. بین امریکا با مجموعه بازیگران نزدیک به دولت عراق از جمله ایران، ترکیه و سوریه، واگرایی و تعارض زیادی وجود دارد. همچنین واگرایی و تعارض بین امریکا و دولت اقلیم نیز زیاد محسوب می‌شود. ضمن اینکه واگرایی بین دولت اقلیم و رژیم صهیونیستی با دولت مرکزی عراق و بازیگران نزدیک به آن قابل توجه می‌باشد. اما نگاهی به گراف واگرایی بین بازیگران در زیر نکات برجسته‌تری را نشان می‌دهد.

بر اساس گراف زیر، قویترین تعارضات و واگرایی‌ها بین دولت عراق و دولت اقلیم وجود دارد. واگرایی‌های قوی نیز عبارتند از: واگرایی بین دولت عراق و رژیم صهیونیستی و واگرایی بین ایران و دولت اقلیم. واگرایی‌های متوسط نیز عبارتند از: واگرایی بین دولت عراق و امریکا؛ واگرایی بین دولت اقلیم با ترکیه، ایران و سوریه و واگرایی بین اسرائیل با ایران و ترکیه. بر اساس گراف، سایر تعارضات و واگرایی‌های بین بازیگران ضعیف یا بسیار ضعیف محسوب می‌شوند.

گراف واگرایی بین بازیگران

Graph of order 3 divergences between actors



- Weakest divergences
- Weak divergences
- Moderate divergences
- Strong divergences
- Strongest divergences

نتیجه‌گیری

مطالعات راهبردی در طول دهه‌های گذشته شاهد تحول و رشد قابل توجهی بوده و به خصوص کشورهایی مانند ایران با توجه به گسترش جدی مسائل و چالش‌های راهبردی پیش‌رو به صورت روزافزونی به این نوع از مطالعات نیاز دارند. در این چارچوب یافتن رویکردها و روش‌هایی که بتواند به مطالعات راهبردی غنا بخشیده و به تولید نتایج کاربردی بیانجامد اهمیت یافته است. بویژه اینکه محیط پیرامونی ایران یعنی خاورمیانه علاوه بر تعدد تحولات و روندها با کثرت حضور بازیگران دارای منافع متفاوت نیز روبروست و ضرورت ایفای نقش موثر در چنین محیطی، تلاش‌های پژوهشی بیشتر برای تبیین مسائل و ارائه راه‌حل را ناگزیر ساخته است. در این راستا در این نوشتار سعی شد ظرفیت‌های روش تحلیل بازیگر برای بررسی و تبیین مسایل راهبردی پیش‌روی کشور مورد واکاوی قرار گیرد و به طور مشخص تلاش شد تا از روش مکتور برای تحلیل مساله استقلال کردستان عراق استفاده شود. روش مکتور به عنوان یکی از روش‌های کلیدی تحلیل بازیگر است که ضمن کاربرد برای تحلیل روابط بین بازیگران و همچنین ارزیابی نسبت بین بازیگران و راهبردها از مزیت‌های مهمی دیگری نیز برخوردار است. مزیت‌هایی که از جمله آنها درگیر ساختن طیف‌هایی از خبرگان علمی و اجرایی در قالب پانل‌های خبرگی، معطوف بودن به آینده و تقویت بینش‌های آینده‌نگرانه و همچنین استخراج نتایج کلیدی قابل استفاده در برنامه‌ریزی‌های راهبردی است. ضمن اینکه مساله مورد بررسی و مطالعه موردی این نوشتار یعنی استقلال کردستان عراق نیز یکی از چند مساله کلیدی و راهبردی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود.

بررسی‌های انجام شده بر اساس نظرات خبرگان و خروجی‌های روش و نرم‌افزار مکتور نتایج قابل توجهی را در موضوع استقلال کردستان عراق بدست داد. نخستین نتیجه مهم اینکه دولت عراق، امریکا، ایران، ترکیه و دولت اقلیم بیشترین اثرگذاری را در موضوع استقلال کردستان دارند و نوع نقش‌آفرینی این بازیگران بیشترین تعیین‌کنندگی را در آینده این موضوع خواهد داشت. لذا آینده مساله نه تنها تحت انحصار نوع رویکرد طرف‌های عراقی و کردی قرار ندارد بلکه بر اساس ارزیابی انجام شده، قدرت رقابتی بازیگرانی مانند امریکا،

ایران و ترکیه در مقایسه با طرف‌های کردی و عراقی بالاتر است. در خصوص ارتباط بازیگران با راهبردهای مورد بررسی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهایی مانند تشکیل کردستان بزرگ، گسترش بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه و تجزیه عراق به بیشترین میزان با حساسیت و مخالفت بازیگران دخیل مواجه است و این واقعیت آینده استقلال کردها را به صورت منفی تحت تاثیر قرار خواهد داد. همچنین بررسی نمودارها و گراف‌های همگرایی و واگرایی بین بازیگران نشان می‌دهد که بین دولت عراق با ایران، ترکیه و سوریه؛ بسترها و ظرفیت‌های ائتلاف‌سازی جدی برای مقابل با استقلال کردی وجود دارد. در مقابل برای دولت اقلیم، تنها ظرفیت متوسطی برای ایجاد ائتلاف با رژیم صهیونیستی قابل پیش‌بینی است. این در حالی است که بازیگران مهم و اثرگذار دیگری مانند امریکا، دولت‌های اروپایی و روسیه به لحاظ ظرفیت ائتلاف‌سازی و توافق یا تعارض، شرایط میانی خود را حفظ کرده‌اند و این بدین مفهوم خواهد بود که برخی تغییرات احتمالی در رویکرد این بازیگران می‌تواند شرایط متفاوتی را برای استقلال کردستان عراق ایجاد کند.

نتایج و یافته‌های بالا، فرضیه مطرح شده در خصوص استقلال کردی را اثبات می‌کند. اثرگذاری بالای امریکا به عنوان قدرت بین‌المللی اصلی در عراق به اضافه نقش کلیدی و اثرگذاری ملموس ایران و ترکیه و محوریت دولت مرکزی عراق در مساله استقلال کردی نشان می‌دهد که این طیف از بازیگران تعیین‌کننده‌ترین دولت‌ها در خصوص مساله کردی بوده و همگی با تشکیل دولت کردی در شرایط حاضر مخالف هستند. ضمن اینکه عدم تمایل سایر بازیگران اثرگذار مانند روسیه، چین و عربستان با استقلال کردی نشانگر آن است که به استثنای رژیم صهیونیستی، نوعی از اجماع نسبی در میان قدرت‌های جهانی و بازیگران منطقه‌ای در خصوص استقلال کردستان عراق وجود دارد. مخالفتی که به عنوان اصلی‌ترین مانع برای تشکیل دولت کردی تلقی می‌شود. نکته مهم و نهایی اینکه عدم تمایل و مخالفت بازیگران کلیدی با استقلال کردی بیش از آنکه با ماهیت کردها و رویکرد و رفتارهای احتمالی دولت کردی در آینده مرتبط باشد با تبعات این مساله برای عراق و منطقه خاورمیانه مرتبط است. بدین معنی که استقلال کردها باعث تجزیه عراق، تشدید روند استقلال‌خواهی و تجزیه‌گرایی در منطقه و توسعه جدی ناامنی و بی‌ثباتی خواهد شد. تحولی که با منافع و

ملاحظات سیاسی و امنیتی اغلب بازیگران مورد بررسی منافات داشته و در نتیجه مخالفت آنها با استقلال کردی را در پی دارد. لذا هر چند که هر یک از این بازیگران سعی می‌کنند روابط مناسبی با کردها به عنوان بازیگر فروملی کلیدی در عراق داشته باشند، اما با توجه به اثرات بی‌ثبات کننده تشکیل دولت کردی در منطقه، این مساله با مخالفت آنها روبروست.

مجموعه یافته‌های بالا در خصوص اقلیم کردستان نشان می‌دهد که تعامل و همکاری ایران با مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ در ممانعت از استقلال کردها اهمیتی حیاتی دارد. ضمن اینکه تداوم و تقویت روابط ایران با دولت مرکزی عراق به عنوان تنها قدرت سیاسی مشروع در مقابل گرایش‌ها و تلاش‌های استقلال‌خواهانه کردی در حفظ یکپارچگی عراق نقشی کلیدی خواهد داشت. با این حال تمرکز بر دو مولفه ذکر شده هرگز به معنی نادیده گرفتن قدرت دولت اقلیم و جریان‌های کردی در شمال عراق نیست و تهران به دلایل مختلف به حفظ و ارتقای تعاملات با ساختارها و جریان‌های کردی عراق نیازمند است. در واقع ایران ضمن انتقال و تبیین خط قرمزهای خود در عراق با محوریت حفظ یکپارچگی این کشور به رهبران کردی، باید بکوشد روابط خود با طرف‌های کردی را تقویت کند. کنترل روندهای تجزیه‌طلبانه درون کردستان با حفظ تعاملات با جریان‌های کردی نزدیک و ایجاد بازدارندگی در مقابل گرایش‌های تجزیه‌طلب، بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی کردستان عراق، ممانعت از شکل‌گیری تهدیدات سیاسی و امنیتی علیه ایران در حوزه کردی و افزایش نقش‌آفرینی ایران در بغداد به‌واسطه بهره‌گیری از همکاری کردها از مهمترین دلایلی است که تعامل بیشتر ایران با طرف‌های کردی در عراق را ضروری ساخته است.

منابع

الف- فارسی و عربی

- احمد، حسین مصطفی، (۲۰۱۱)، «المسألة الكردية والسياسة الدولية (دراسة في أسباب ومدخل التأثير)»، مجلة جامعة الانبار للعلوم القانونية والسياسية، العدد ۴.
- اسدی، علیرضا، (۱۳۹۳)، کاربرد نظریه بازی‌ها در پیش‌بینی آینده، در "آینده‌پژوهی از تئوری تا کاربرد: کندوکاوی در روش‌ها"، گردآوری ابراهیم حاجیانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اسمعیل پور روشن، علی اصغر، (۱۳۹۶)، «ژئواستراتژی کردستان عراق: بررسی استراتژی‌های ایالات متحده و ایران»، زمستان، فصلنامه جغرافیا، شماره ۵۵.
- ایسنا، (۳ مهر ۱۳۹۶)، «نتانیاهاو: استقلال کردهای عراق ذخیره‌ای استراتژیک برای اسرائیل است»، قابل دسترسی در:
<http://www.isna.ir/news/96070301899>.
- بوژمهرانی، حسن و مهدی پوراسلامی، (۱۳۹۳)، «تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان/اسلام، بهار و تابستان، دوره ۲، شماره ۱.
- التمیمی، ظفر عبد مطر، (۲۰۱۸)، «المسألة الكردية وإشكالية وآليات المعالجة الدولية»، مجلة مركز المستنصرية للدراسات العربية والدولية، المجلد: ۶۰، الاصدار: ۶۰.
- جلال پور، شیوا و لطفی نیا، علی اصغر، (۱۳۹۵)، «کالبدشکافی سیاست خارجی اسرائیل در قبال کردستان عراق»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، پاییز، شماره یازدهم.
- روحی، نبی الله، (۱۳۹۳)، «استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، پاییز، شماره ۲۴.
- زارع میرک آباد، علی و دیگران، (۱۳۹۳)، «بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده پژوهی»، کنفرانس بین‌المللی ابزار و تکنیک‌های مدیریت، تهران: مرکز همایش‌های بین‌المللی شهید بهشتی، ۱۶ و ۱۷ دی ماه.

- السعدون، حمید حامد و عواد، عامر هاشم، (۲۰۱۶)، «الإستراتيجية الأمريكية حيال العراق بعد عام ۲۰۰۳»، *مجلة العلوم القانونية والسياسية*، المجلد الخامس، العدد الاول.
- عبد اللطيف، إرواء فخرى، (۲۰۱۵)، «السياسة التركية تجاه العراق وتأثيره في الأمن الوطني»، *مجلة السياسة والدولية*، العدد ۲۶-۲۷.
- عبدالله پور، محمدرضا و ديگران، (۱۳۹۳)، «خرده میدان کردستان عراق، عرصه رقابت میدان‌های منطق ای ایران و ترکیه»، *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، زمستان، شماره ۲.
- العبيدي، شذى فيصل رشو، (۲۰۱۲)، «أكراد العراق في العلاقات العراقية الإيرانية ۱۹۵۸-۱۹۷۵م»، *مجلة ادب ذی قار*، السنة: ۲۰۱۲ المجلد: ۲، الاصدار: ۱۶.
- عرب، علی، (۱۳۷۸)، «کاربرد نظریه بازی‌ها در علوم انسانی»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال اول، زمستان، شماره چهارم.
- المحمد، عبدالهادی حسین علی، (۲۰۱۶)، «العلاقات الكردية الاسرائيلية»، *مجلة الكوفة للعلوم القانونية والسياسية*، العدد ۲۶.
- نوری، علیرضا، (۱۳۹۶)، «سیاست روسیه نسبت به مسئله کردی و استقلال کردستان»، *بنیاد مطالعات قفقاز*، (۲۷ شهریور ۱۳۹۶)، قابل دسترسی در: <http://www.ccsi.ir/vdcene8z.jh8fvi9bbj.html>
- الهیمنص، محمد محی، (۲۰۱۰)، «الاقلیة القومیة الكردیة فی دول الجوار الجغرافی (ترکیا، ایران، العراق، سوريا)»، *مجلة آداب المستنصریة*، السنة: ۲۰۱۰، الاصدار: ۵۲.
- یگانگی دستگردی، وحید، (۱۳۸۹)، «تئوری بازی‌ها»، *اقتصاد شهر*، زمستان، شماره هشتم.

ب- انگلیسی

- Bendahan, Samuel and Giovanni Camponovo, (2003), "Multi-issue Actor Analysis: Tools and Models for Assessing Technology Environments", *Journal of Decision Systems*, Vol. 12, No 4.

- Bokhari, Kamran, (2017), "The Global Consensus against the Iraqi Kurds, Geopolitical Futures", October 17, 2017, accessible at: <https://geopoliticalfutures.com/global-consensus-iraqi-kurds/>

- Cockburn, Patrick, (2017), “Iraqi Kurdish Referendum: Why International Powers Fear Independence Vote Could Derail Fight against Isis”, (19 September 2017), accessible at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iraqi-kurdish-independence-referendum-preview-isis-krv-vote-a7955936.html>.

- Crisis Group, (2017), “Oil and Borders: How to Fix Iraq’s Kurdish Crisis”, Crisis Group Middle East Briefing N°55, Brussels, 17 October, 2017, accessible at: <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iraqi/55-settling-iraqi-kurdistan-boundaries-will-help-defuse-post-referendum-tensions>

- Godet, Michel, (2006), *Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool*, Translated by Adam Gerber and Kathryn Radford, London: Economica Ltd.

- Godet, Michel, (1991), *From Anticipation to Action*, Translated by Clare Degenhardt, Paris: Dunod.

- Kader, Ariz and Lecha, Eduard Soler i, (2018), “Iraq Kurdistan and Beyond: The EU’S Stakes”, *Middle East and North Africa Regional Architecture*, Future Notes, No. 9.

- Meintjes, Albertus Jacobus, (2018), “The Complications of Kurdish Independence”, *Open Journal of Political Science*, No. 8.

- Myerson, Roger B, (1991), *Game Theory: Analysis of Conflict*, Harvard University Press.

- McMillan, Joseph, (2006), “Saudi Arabia and Iraq: Oil, Religion, and an Enduring Rivalry”, *United States Institute of Peace*, Special Report 157, January.

- Nader, Alireza and others, (2016), *Regional Implications of Independent Kurdistan*, CA: RAND Corporation, April 19, 2019, accessible at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1452.html.

- JÜDE, JOHANNES, (2017), “Contesting borders? The formation of Iraqi Kurdistan’s de Facto State”, *International Affairs*, Vol. 93, No. 4.

- Scobell, Andrew and Nader, Alireza, (2016), *China in the Middle East: The Wary Dragon*, CA: RAND Corporation, April 5 2019, accessible at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1229.html.

Soderberg, Nancy E, (2015), *State-building in Iraqi Kurdistan*, Institute for the Study of Human Rights, Columbia University.

- Ustun, Kadir and Dudden, Lesley, (2017), “Turkey-KRG Relationship: Mutual Intrests, Geopolitical Challenges”, Seta Foundation for Political, Economic and Social Research, Analysis, No: 31. March 18, 2018, accessible at: <https://setav.org/en/assets/uploads/2017/09/Analysis31.pdf>